

کاربری تطبیقی میراث صنعتی و زیست منطقه‌گرایی در معماری: یک مطالعه تطبیقی

سیده ساجده مدنی^{۱*}، جعفر طاهری^۲

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد. پست الکترونیک: sajedemadani@mail.um.ac.ir

۲-استادیار گروه معماری، دانشگاه فردوسی مشهد. پست الکترونیک: J.taheri@um.ac.ir

چکیده

رویکردهای زیست منطقه‌گرایی و کاربری مجدد تطبیقی میراث صنعتی همراستا با اهداف توسعه پایدار گام برمی‌دارند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی این دو رویکرد از منظر ابعاد مختلف پایداری است تا راهنمایی برای طراحان در حوزه کاربری تطبیقی میراث صنعتی از منظر زیست منطقه‌گرایی و پایداری زیست محیطی باشد. این پژوهش، ابتدا با روش تحقیق کیفی تحلیل محتوا و مقایسه تطبیقی به مطالعات اسناد موجود و بررسی ابعاد مختلف کاربری تطبیقی پرداخته و سپس با بررسی نظریات زیست منطقه‌گرایی، وجوه اشتراک و افتراق بین دو رویکرد بررسی می‌شود. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند کاربست اندیشه‌ی زیست منطقه‌گرایی در حفاظت و کاربری تطبیقی میراث صنعتی به تقویت ابعاد مختلف پایداری به ویژه بعد زیست محیطی و صرفه‌جویی انرژی منجر خواهد شد. در بعد اجتماعی نیز توجه به فرهنگ و مکان، تقویت حس مکان سایت‌های متروک صنعتی و در بعد اقتصادی با حفظ ارزش‌های مادی و زیست محیطی این سایت‌ها، می‌توان به اهداف توسعه پایدار دست یافت.

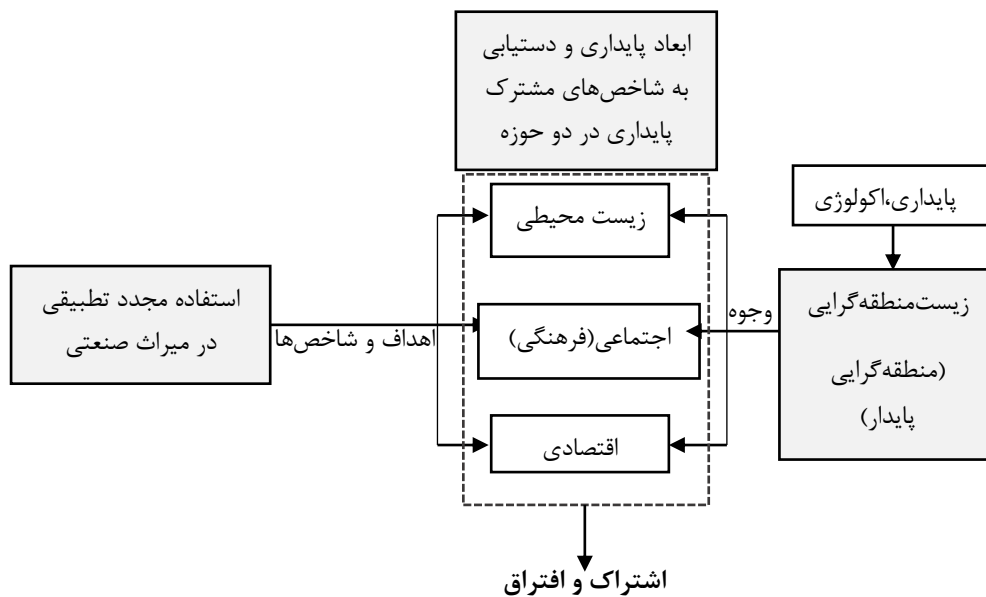
واژه‌های کلیدی: پایداری، توسعه پایدار، زیست منطقه‌گرایی، کاربری مجدد تطبیقی، میراث صنعتی

۱- مقدمه

در عصر جهانی شدن و با توسعه شهرها، برخی از کارخانه‌ها و سایت‌های صنعتی به بیرون از شهرها منتقل شده و این ساختمان‌ها در درون شهرها متروک مانده‌اند. استفاده از این بناها در راستای حفظ ارزش آن‌ها و با رویکرد توجه به خصوصیات منطقه و فرهنگ منطقه‌ای، موضوع مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. باز استفاده تطبیقی از میراث صنعتی موجب حفظ ارزش این میراث می‌شود. از نظر لئوس حفظ میراث صنعتی فقط از طریق تغییر «کاربری تطبیقی» امکان‌پذیر است (رنجکش و فدائی‌نژادبهرامجردی، ۱۳۹۹). کاربری تطبیقی شامل تغییر کاربری سازه‌ها یا ساختمان‌های موجود براساس نیازهای جدید کاربران با هدف دستیابی به موضوعاتی نظیر پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی با تاکید بر صرفه‌جویی در مصرف مواد و مصالح، کاهش هزینه‌ها و حفظ ارزش‌های ذاتی میراث می‌باشد (Bottero et al., 2019). درواقع مسئله اصلی کاربری مجدد تطبیقی از نظر زیست‌محیطی، گام برداشتن در راستای توسعه پایدار است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). از طرفی دیگر، یکی از رویکردهایی که به موضوع پایداری از نظر ابعاد زیست-محیطی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی توجه ویژه دارد، رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی است. به تعبیری معماری منطقه‌گرا وارد مرحله‌ی جدیدی از روند تکاملی خود شده که همانا زیست‌منطقه‌گرایی (منطقه‌گرایی پایدار) نام دارد (ذوقی حسینی و همکاران ۱، ۱۳۹۹). این رویکرد از رویکردهای نوین حوزه منطقه‌گرایی است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲) و تحت تاثیر رویکردهای پایداری و طراحی بومی شکل گرفته است که زیست‌بوم‌های منطقه‌ای و فرهنگ انسانی را با هم مرتبط می‌داند و بر ارزش‌ها و منابع (مصنوع و طبیعی) زیست‌محیطی یک منطقه (مکان) تاکید دارد (مهربان و همکاران، ۱۳۹۵). بر اساس آخرین اهداف توسعه پایدار یونسکو انرژی‌های پاک و کم هزینه، زندگی و توجه به زمین، جوامع و شهرهای پایدار چند مورد از هفده هدف توسعه پایدار می‌باشند. هرچند پژوهش‌های مختلفی در زمینه کاربری تطبیقی و ابعاد مختلف آن انجام شده است؛ پژوهش‌های اندکی با توجه به ویژگی‌های منطقه، مکان و پایداری در زمینه کاربری تطبیقی صورت گرفته است. اهمیت موضوع توسعه پایدار از منظر زیست‌منطقه‌گرایان از یک سو، و دستیابی به پایداری زیست‌محیطی در کاربری تطبیقی از سویی دیگر، گواه بر مشترک بودن اهداف این دو رویکرد می‌باشد. همچنین با ظهور مدرنیسم و امکان گسست از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، می‌توان با اتخاذ راه‌حل‌های زیست‌منطقه‌گرایانه هویت تاریخی و فرهنگ بومی را حفظ نمود. بنابراین بررسی، تحلیل و مقایسه ابعاد مختلف این دو حوزه می‌تواند در دستیابی به روش‌هایی در جهت حفظ ارزش‌ها، خصوصیات، فرهنگ و منابع منطقه یاری‌دهنده باشد.

دوگونه پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه زیست‌منطقه‌گرایی قابل شناسایی است: ۱- پژوهش‌هایی که به بررسی ماهیت زیست‌منطقه‌گرایی به صورت منفرد پرداخته‌اند ۲- پژوهش‌هایی که به مقایسه رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی با دیگر رویکردها یا بررسی نمونه‌های موردی پرداخته‌اند. در حوزه نخست زیست‌منطقه‌گرایی توسط نظریه پردازان شرح داده شده است. ریشه‌یابی و بررسی فاکتورهای مهم زیست‌منطقه‌گرایی (Dodge, 1981)، بازخوانی زیست‌منطقه‌گرایی (McGinnis, 1999)، تفسیر زیست‌منطقه‌گرایی و مرور آن (Aberly 1999) و مرور نظریات و وجوه مختلف زیست‌منطقه‌گرایی (Crist, 2020; Alexander & Johnson, 2013; Berg, 2013; Evanoff, 2011; Young, 2000) در این حوزه صورت گرفته است. همچنین در پژوهشی با عنوان زیست‌منطقه‌گرایی به عنوان یک پارادایم جدید، سه اصل پایه‌ی زیست‌منطقه‌گرایی بیان شده است. یکی از اصول بیان شده در این پژوهش اسکان مجدد در فضاهای تخریب شده یا متروکه است که اشاره مستقیم به کاربری تطبیقی دارد (Cappuccio, 2009). پژوهشی دیگر پیرامون زیست‌منطقه‌گرایی در شهرهای کوچک بیان می‌کند که طراحی زیست‌منطقه‌گرا به تعارضات موجود بین تمدن و طبیعت می‌پردازد (Surekha, 2022). در حوزه دوم، پژوهش‌هایی نظیر بررسی معماری بومی مالدیو بر مبنای رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی (هدایتی، ۱۳۹۴)، بازخوانی ویژگی‌های منطقه‌گرایی و زیست‌منطقه‌گرایی در بناهای معاصر مشهد (ذوقی حسینی و همکاران ۱، ۱۳۹۹) و ارائه‌ی راهکارهای طراحی موزه‌ها با رویکرد زیست‌منطقه‌گرا (مهربان و همکاران، ۱۳۹۵) صورت گرفته‌اند.

پژوهش حاضر بر آن است به بررسی وجوه اشتراک و افتراق در ابعاد مختلف رویکرد زیست منطقه‌گرایی و کاربری تطبیقی بپردازد تا دستاورد و همچنین هم‌افزایی رویکردهای نظیر این پژوهش را بتوان به عنوان الگویی برای طراحان در حوزه کاربری تطبیقی میراث صنعتی با رویکرد زیست منطقه‌گرایی ارائه نمود. در این پژوهش نخست با توضیح مفاهیم اصلی حوزه معماری منطقه‌ای و با نگاه ویژه به زیست منطقه‌گرایی به تشریح شاخص‌های موجود در این رویکرد نوین نظیر توسعه پایدار، توسعه اکولوژیک، استفاده از انرژی‌های پاک و پیوند فرهنگ انسانی و زیست‌بوم منطقه (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲) بپردازد و سپس با مقایسه اشتراک و افتراق آن با شاخص‌های کاربری تطبیقی در میراث صنعتی مانند حفظ ارزش‌ها برای نسل آینده (Bottero et al., 2019)، حفظ هویت فرهنگی و ارتقا جامعه (Augustiniok et al., 2020)، توسعه اقتصادی (Yung & Chan, 2012)، توجه به انرژی نهفته (حیدری و همکاران، ۱۴۰۰)، به مطالعه تطبیقی رویکرد زیست منطقه‌گرایی با کاربری تطبیقی میراث صنعتی از منظر ابعاد سه‌گانه پایداری بپردازد. در واقع هدف از این مقایسه شناخت ابعاد سه‌گانه پایداری در این دو حوزه و بررسی رویکردی پایدار و زیست منطقه‌گرا در کاربری تطبیقی است.



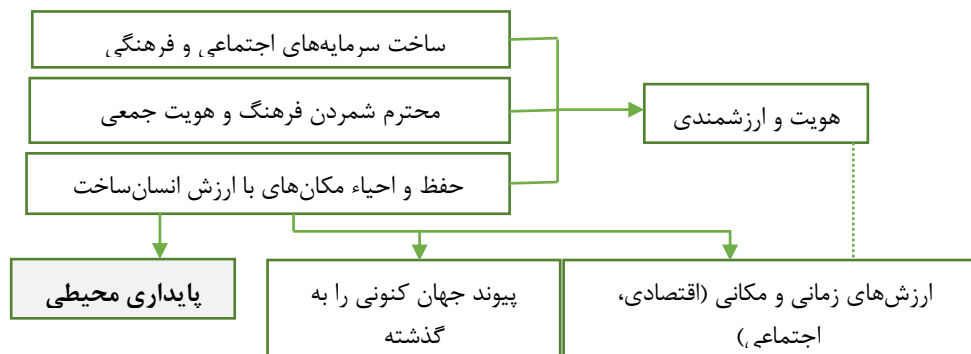
شکل ۱: چارچوب نظری تحقیق

۲- میراث صنعتی و کاربری تطبیقی میراث

میراث را می‌توان یادگاری از گذشتگان دانست که انسان هم اکنون با آن زندگی می‌کند و سپس آن را به نسل‌های بعد می‌سپارد تا از آن بیاموزند، شگفت‌زده شده و لذت ببرند (Jopela, 2011). کمیته بین‌المللی حفاظت از میراث صنعتی در منشور نیژنی تاگیل میراث صنعتی را "بقایای صنعتی واجد ارزش‌های علمی، تاریخی، فنی، اجتماعی و معماری" تعریف نموده است. این بقایا شامل دستگاه‌ها، ساختمان‌ها، کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، معادن و محوطه‌های فراوری و پالایش، انبارها و مخازن، مکان تولید، حمل و نقل و تمام زیرساخت‌های آن می‌باشد. همچنین مکانی برای فعالیت‌های جمعی مرتبط با صنعت نظیر آموزش و سکونت نیز بوده است (فالس، ۱۳۹۲). سایت‌های میراث صنعتی بخش مهمی از منظر و فضای ساخته شده اطراف ما هستند. آنها ارتباطات محسوس و نامحسوس با گذشته ما برقرار می‌کنند و قابلیت بالقوه‌ای برای ایفای نقشی مهم در شهرها و حومه شهرها دارند (Clark, 2013). فضاهایی که به سبب مساحت قابل توجه این بناهای متروکه باعث ایجاد بافتی نامناسب می‌گردند و موجب افول منزلت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی محیط‌های مجاور می‌شوند. در حالی که با بازسازی مناسب و استفاده بهینه از این بناهای صنعتی می‌توان فرصت‌های متعددی در جهت ارتقاء منطقه با ایجاد فضاهای سرزنده و پویا خلق نمود. لذا نوسازی و تجدید حیات این بناها نقش مهمی در حفظ تداوم شهرها و محیط پیرامون بر عهده دارد. (Cevik et al., 2008) میراث صنعتی بقایای فرهنگ صنعتی هستند که ارزش‌های تاریخی، تکنولوژیکی، اجتماعی، معماری و علمی دارند.

میراث صنعتی مکان‌هایی هستند که جهان کنونی را به گذشته پیوند می‌زنند و می‌توانند درباره معماری، تکنیک، مصالح و ... اطلاعاتی در اختیار قرار دهند. این فضاها یادآور ساختارهای اجتماعی، کار و فعالیت کسانی که در این مکان‌ها کار می‌کردند، می‌باشند. اهمیت میراث صنعتی ممکن است به صورت ارزش‌های محسوس و نامحسوس باشد (Clark, 2013). در رابطه با ارزش در حفاظت از میراث، نظریات مختلفی وجود دارد. در دسته‌بندی چزاره برندی، سه حوزه اصلی مکان، زمان و اصالت مبنای چارچوب ارزیابی ارزش قرار گرفته که در این چارچوب پارامتر مکان به شش زیرمolfه شامل مداخلات، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عملکردی و ساختاری و پارامتر زمان به دو زیرمolfه هویت و ارزشمندی و پارامتر اصالت به نه زیرمolfه بدیع، طبیعی، استثنائی، تاثیرگذار، ارجاعی، فنی، هنری، کاربردی و ندرتی، تقسیم شده‌است (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷). در دسته‌بندی‌ای دیگر ارزش‌های میراث در پنج حوزه شامل ارزش‌های تاریخی، تکنولوژیکی، اقتصادی، آموزشی و روانشناسی طبقه‌بندی شده‌است (Jie, 2009).

باز استفاده تطبیقی که در متون فارسی با عناوین تغییر کاربری سازگار (صمدزاده یزدی و همکاران، ۱۳۹۸)، استفاده مجدد تطبیقی (رنجکش و فدایی نژاد بهرام‌جردی، ۱۳۹۹)، تغییر کاربری تطبیقی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸) به آن اشاره شده است اولین بار در کتاب هفت چراغ معماری جان راسکین مطرح شد. در متون آکادمیک لاتین از آن به استفاده ممتد نیز یاد می‌شود (Milgrim, 2010). تئوری احیای بناهای تاریخی بعد از راسکین توسط ویوله‌لودوک پیگیری شد با این تفاوت که در دیدگاه ویوله‌لودوک، بنای تاریخی پس از احیا با آنچه که بنا برای آن هدف ساخته شده بود، یکسان نمی‌باشد. در دیدگاه ویوله‌لودوک نشان می‌دهد که باز استفاده تطبیقی نوعی از حفاظت است که ارزش‌ها و اعتقادات و نیز فرهنگ و هویت جمعی را محترم می‌شمرد. باز استفاده تطبیقی موجب می‌شود زندگی جدیدی به جامعه تزریق شود (Kincaid, 2002). از جمله مزایای کاربری تطبیقی میراث صنعتی می‌توان حفظ و احیای مکان‌های با ارزش انسان‌ساخت در سه حوزه زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی نام برد (رنجکش و فدایی نژاد بهرام‌جردی، ۱۳۹۹ Langston et al., 2007). فرایند بازاستفاده دربرگیرنده عملکرد ساختمان، اجزاء بنا، مصالح و مصالح بازیافتی آن است (Bullen & Love, 2010). استفاده مجدد تطبیقی در ساخت سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، پایداری محیطی و احیای شهری موثر است. بنابراین استفاده مجدد تطبیقی با مفاهیم مکان، فرهنگ، زیست‌بوم و پایداری وجوه اشتراک عمیق دارد.



شکل ۲: کلیدواژه‌های کاربری مجدد تطبیقی میراث صنعتی، منبع: نگارندگان

۳- منطقه‌گرایی و زیست‌منطقه‌گرایی

اساساً منطقه‌گرایی یک حالت ذهنی است (Harris, 1958). منطقه‌گرایی یکی از رویکردهای معماری است که با فرهنگ و بستر فرهنگی تعامل دارد و بر لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اقلیمی و جغرافیایی یک منطقه‌ی خاص تاکید دارد (شایان و کامل‌نیا، ۱۳۸۷؛ بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۱ به نقل از colquhoun). منطقه‌گرایی بر پایه‌ی یک مدل آرمانی اجتماعی استوار است، که می‌توان آن را مدل ماهیت‌گرایی نامید. بر اساس این مدل همه جوامع دارای یک هسته یا جوهره می‌باشند. یک وجه از این جوهره که غالباً در معماری به کار گرفته می‌شود در جغرافیا، آب و هوا و آداب و رسوم محلی نهفته است که

Venue: Tabriz Islamic Art University
In cooperation with Shahrekord University & Kharazmi University

شامل استفاده و تغییر مصالح طبیعی می شود (کوهون، ۱۹۹۷). منطقه‌گرایی مقیاسی کلان و فراتر از شهر است و به منطقه جغرافیایی اشاره دارد که شهر، حومه آن، و روستاهای مجاور را شامل می‌شود. منطقه‌گرایی در معنای جدید توسط لوئیز مامفورد در ۱۹۲۵ بکار رفت. از نظر مامفورد منطقه‌گرایی اصیل کشف نیازهای واقعی انسان‌ها در ارتباط با زمین، خاک، اقلیم، شرایط کار و عرف پنهان همسایگی است. شکستن سنت بازگشت به طبیعت (حفظ تعادل بین انسان و طبیعت و تاکید بر پایداری) یکی از تعاریف مامفورد در مورد عملکرد منطقه‌گرایی است. از نظر زونیس طراحی با تمرکز بر نیازها و قابلیت‌های محلی (طراحی پایدار) و توجه به جنبه‌های زیست‌محیطی در حوزه منطقه‌گرایی مورد تاکید است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۱). منطقه‌گرایی تفکری با ساختار دو وجهی است (Canizaro, 2007). شولتز در توصیف عملکرد منطقه‌گرایی بخشیدن حال و هوا به معماری و تقویت حس مکان را بیان نموده است. فرامپتون ارتباطات اجتماعی را به عنوان عامل پایداری در منطقه‌گرایی مطرح نموده است. در منطقه‌گرایی جدید، حفاظت خلاق به جای تقلید یا حفاظت ایستا توسط گیدئون مطرح شده است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۱).

نظریه‌پردازان گوناگون شاخه‌های مختلفی برای منطقه‌گرایی مطرح نموده‌اند. منطقه‌گرایی عینی و انتزاعی در ۱۹۸۵ ذیل منطقه‌گرایی مدرن مطرح شد. از کان استخراج عناصر از گذشته برای شکل‌دهی به فرم ساختمان را منطقه‌گرایی انتزاعی نامیده‌است که شامل کیفیت‌های انتزاعی ساختمان مانند تناسب، حس فضا، استفاده از نور و .. می‌شود. از نظر وی منطقه‌گرایی عینی ویژگی‌های یک منطقه را در ساختمان عینا کپی می‌کند و تکرار این ویژگی‌ها به دلیل ارزشمندی آن‌ها در شکل جدید خود بسیار قابل قبول‌تر است (Ozkan, 1985). منطقه‌گرایی اجرایی خوانشی از منطقه‌گرایی است که برای شیوه‌های محلی امتیاز قائل است و به تعامل بین مکان و افراد و اهمیت توجه معماران به فرهنگ اشاره دارد (Allen, 2005). منطقه‌گرایی بازتابنده توجه را به منظر، تاریخ و معنا، برای کسانی که در مکانی زندگی می‌کنند، معطوف می‌کند. در واقع، این معماری‌ای است که به منظر بازمی‌گردد (Cassidy, 2000). به عقیده‌ی پاولیدز، منطقه‌گرایی فولکلوریک نمایانگر منطقه و بیانگر هویت محلی است. بررسی منطقه‌ای معماری بومی از منظر فولکلور نوعی از منطقه‌گرایی است که تلاش می‌کند تا دوره‌ای از گذشته را دوباره به تصویر بکشد (Pavlidis, 1991). وی در مقاله خود به معرفی دیگر شاخه‌های منطقه‌گرایی مانند منطقه‌گرایی تیپولوژیک یا افلاطونی، منطقه‌گرایی انسان‌شناختی، منطقه‌گرایی ایدئولوژیک و منطقه‌گرایی تجربی یا ارسطویی نیز می‌پردازد (Pavlidis, 1991).

منطقه‌گرایی انتقادی در انتهای دهه ۱۹۷۰ برای توجه به آثار معمار جوان اروپایی که با معماری پست مدرن مقابله می‌کردند، مطرح شد. منطقه‌گرایی انتقادی به دنبال گسترش معماری‌ای بود که آگاهی از واقعیت را بجای خیالات موهوم افزایش دهد و در ادامه موجب شد عناصر بومی گذشته نه تنها نوستالژیک و آشنا بلکه عجیب به نظر رسند (Lefavre & Tzonis, 2012). زونیس و لفایر سعی کردند با بکارگیری عبارت انتقادی، از هر گونه انتساب نوستالژی واپسگرا پیشگیری کنند. عبارت انتقادی در این زمینه به دو صورت معنی می‌شود که یکی به معنای «مقاومت در برابر تصاحب سبکی از زندگی و زنجیره‌ای از روابط انسانی به واسطه اقتصاد بیگانه از مکان و منابع قدرت» است و دیگری ایجاد مقاومت در برابر بازگشت کاملاً نوستالژیک گذشته است (کوهون، ۱۹۹۷). به طور کلی منطقه‌گرایی انتقادی بر مقاومت در برابر یکسان‌سازی محیط مصنوع که حاصل مدرنیسم است تاکید دارد. (نسبیت، ۱۳۸۶).

۱-۳- زیست‌منطقه‌گرایی

زیست‌منطقه‌گرایی معادل واژه لاتین Bioregionalism از ترکیب کلمه یونانی bios به معنی زندگی و واژه فرانسوی region تشکیل شده است. همچنین region برگرفته از واژه لاتین regia و regere است که به ترتیب به معنای محدوده و حکمرانی کردن است. بر اساس این ترکیب bioregionalism به معنی منطقه زندگی، محل زندگی یا حکمرانی بر اساس زندگی است (Dodge, 1981). زیست‌منطقه‌گرایی در اوایل دهه ۱۹۷۰ توسط آلن ون نیوکرک کانادایی ابداع شد. سپس در شمال آمریکا توسط اعضای گروهی موسوم به " سازمان ضد فرهنگی " تقویت و منتشر شد (Young, 2000). زیست‌منطقه‌گرایی اولین جنبش اجتماعی است که پیوند محکمی از اصول را مطرح کرد که قرن‌ها پیش توسط جریان‌های

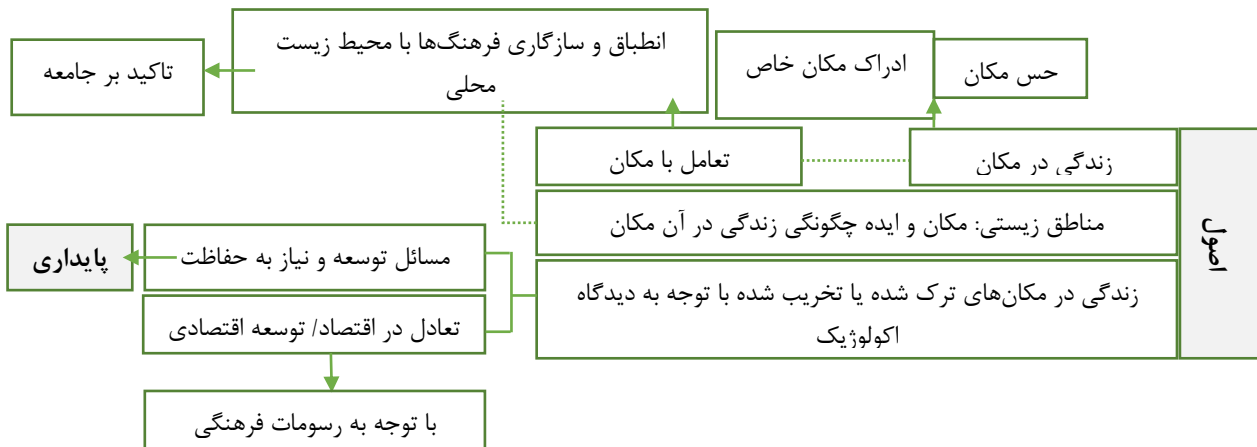
Venue: Tabriz Islamic Art University
In cooperation with Shahrekord University & Kharazmi University

فکری و رشته‌های مختلف علیه پارادایم علمی-مکانیکی مطرح شد. زیست‌منطقه‌گرایی به چالش پیوند مجدد جوامع، به روشی پایدار با ماتریس طبیعی محلی و منطقه‌ای آن‌ها پاسخ می‌دهد (Cappuccio, 2009). توسعه جنبش زیست‌منطقه‌ای معاصر شامل تعدادی از رویدادهای مهم تاریخی است که با تلاش برای بیان فصل مشترک نگرانی‌ها در مورد مکان، سیاست و اکولوژی آغاز گردید و در ادامه بررسی وسیع تاریخی را مورد توجه قرار داد. پس از آن ارتباط و تعامل با دیگر جنبش‌های اجتماعی مطرح شد. در انتها زیست‌منطقه‌گرایی به بدنه تدریس با ابعاد اجتماعی و اکولوژیکی وارد شد (Aberley, 1999). تاکید ثورو بر اهمیت جنبه‌های غیررسمی اقتصاد و فراخوان مامفورد برای منطقه‌گرایی زیست‌محیطی، بازنمایی اولیه ارزش‌های زیست‌منطقه‌گرایی معاصر است (McGinnis, 1999).

رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی به عنوان چارچوب جدیدی برای مطالعه روابط بین جوامع انسانی، نهادهای دولتی و جهان طبیعی مطرح شده است و از طریق آن می‌توان سیاست زیست‌محیطی را برنامه‌ریزی و اجرا کرد. زیست‌منطقه‌گرایان معتقدند که انسان‌ها به عنوان اعضای جوامع نمی‌توانند از تعامل با مکان و تحت تأثیر قرار گرفتن از مکان خاص خود و منطقه‌ی زیستی اجتناب کنند. در واقع با وجود فناوری مدرن، ما از طبیعت جدا نیستیم (McGinnis, 1999). هدف نهایی زیست‌منطقه‌گرایی انطباق و سازگاری فرهنگ‌ها با محیط زیست محلی آن‌هاست (Evanoff, 2011). سه اصل پایه‌ی زیست‌منطقه‌گرایی چنین بیان شده‌است: ۱- زندگی در مکان: رضایتمندی از زندگی در مکان خاص، ۲- سکونت مجدد: یادگیری نحوه زندگی در مکان‌های ترک شده یا تخریب شده با توجه به دیدگاه اکولوژیک، ۳- مناطق زیستی: این مورد به محدوده جغرافیایی و محدوده خودآگاه اشاره دارد و در واقع به مکان و ایده چگونگی زندگی در آن مکان تاکید دارد (Cappuccio, 2009).

طراحی زیست‌منطقه‌گرا به تعارضات موجود بین تمدن، مظاهر تمدن و طبیعت و تقابل فرهنگ با طبیعت می‌پردازد. همچنین مسائل توسعه و نیاز به حفاظت؛ انطباق با بوم و تجارب جدید؛ ایجاد تغییرات انقلابی و دستیابی به ثبات؛ ایجاد تعادل در اقتصاد، قدرت‌های تجاری و حفاظت از محیط زیست را مطرح می‌کند. بنابراین، زیست‌منطقه‌گرایی یک رویکرد اکو-فرهنگی و مکان محور است که از مفهوم پایداری حمایت می‌کند. مکان، اکولوژی و حکمرانی به اساس بینش زیست‌منطقه‌ای تبدیل می‌شوند. زیست‌منطقه‌گرایی را می‌توان به‌عنوان یک فرآیند ادامه‌دار و در حال تحول در نظر گرفت و نیازمند تطبیق با بافت آن در هر مقطع زمانی برای پرورش آینده‌ای پایدار است (Surekha, 2022). زیست‌منطقه‌گرایی فرهنگ‌های انسانی را در مکان‌های خاص ریشه‌یابی می‌کند. زیست‌منطقه‌گرایان، به دنبال سازماندهی زندگی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر اساس معیارهای ارائه شده بوسیله مناطق بومی و حوضه‌های آبخیز قابل‌شناسایی هستند (Alexander & Johnson, 2013).

زیست‌منطقه‌گرایی که یکی از رویکردهای نوین در حوزه منطقه‌گرایی است، وجوه مهمی مانند داشتن حس مکان و تعهد شخصی برای زندگی در یک منطقه جغرافیایی مشخص با فرهنگی مشخص را شامل می‌شود. (Evanoff, 2011). زیست‌منطقه‌گرایی به عنوان چارچوبی برای تفکر در مورد مردم بومی، دانش محلی، جهانی شدن، علم، مسائل جهانی زیست‌محیطی، جامعه مدرن، حفاظت، تاریخ، آموزش و مرمت معرفی می‌شود. تاکید زیست‌منطقه‌گرایی بر مکان و جامعه به طور اساسی نحوه مواجهه‌ی ما با مسائل انسانی و زیست‌محیطی تغییر می‌دهد (Kemmis, 1999). منطقه‌گرایی پایدار به سه موضوع توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماع و ارتباط با محیط طبیعی توجه دارد که این ابعاد در بخش بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. "مقاومت" در برابر تخریب مداوم سیستم‌های طبیعی و همگنی فرهنگ ملی و "بازسازی" با توجه به نیاز به دستیابی، به دانش کامل در مورد کارکرد سیستم‌های طبیعی، ادراک مکان‌های خاص و توسعه تکنیک‌های مناسب، دو ویژگی مهم زیست‌منطقه‌گرایی هستند (Dodge, 1981). به طور کلی سه عنصر اصلی زیست‌منطقه‌گرایی شامل محیط زیست، بی‌حکومتی و روح است. عنصر اصلی آن (محیط زیست) اهمیت توجه به سیستم‌های طبیعی را مد نظر دارد. سیستم‌های طبیعی هم منبع تغذیه فیزیکی ما و هم در استعاره، منبعی برای تغذیه روح ما هستند. زیست‌منطقه‌گرایی بر تاثیر رفتار فرهنگی مانند روش‌های امرار معاش و رسومات فرهنگی نیز اشاره دارد (Church, 2020).



شکل ۳: کلیدواژه‌های زیست‌منطقه‌گرایی، منبع: نگارندگان

۴-مقایسه تطبیقی کاربری مجدد تطبیقی و زیست‌منطقه‌گرایی

با توجه به دو بخش قبل که کاربری تطبیقی و زیست‌منطقه‌گرایی در ابعاد وسیعی مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان دریافت که هر دو حوزه به پایداری اشاره داشته و بر لزوم توسعه پایدار و توجه به سه بعد زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی که از ابعاد پایداری می‌باشند تاکید دارند. هر دو رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی و استفاده مجدد تطبیقی رویکردی پایدار در حوزه معماری هستند. لذا می‌توان جهت مقایسه تطبیقی دو رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی و استفاده مجدد تطبیقی ابعاد سه‌گانه پایداری را به عنوان ابعاد مشترک این دو رویکرد مورد بررسی قرار داد.

۴-۱- بعد زیست محیطی

کاربری تطبیقی برای استفاده‌ی جدید باید به اهمیت زمینه و سایت احترام بگذارد (Clark, 2013). استفاده مجدد تطبیقی میراث، به دلیل کارکرد پایداری آن ارزشمند است. نگهداری از پاکت ساختمان‌های فوایدی نظیر کاهش مصرف منابع، حفظ انرژی نهفته و حفظ مصالح ساختمان را دارد. استفاده مجدد از ساختمان‌ها حدود ۹۵ درصد انرژی نهفته آن‌ها را محفوظ نگاه می‌دارد (Clark, 2013). پایداری ساختمان‌های صنعتی بر اساس چهار معیار شکل می‌گیرد: مکان‌یابی، مصرف انرژی، مصرف آب و مصرف مصالح (San-José Lombera & Garrucho Aprea, 2010). از منظر محیطی، فاکتورهای توسعه پایدار محلی در استفاده مجدد تطبیقی میراث صنعتی شامل حفاظت محیطی و حفاظت و نگهداری از زمین‌ها می‌باشد (Vardopoulos, 2019). رسیدن به پایداری در فرآیند بازسازی شهری نیز اهمیت دارد. در همین راستا، سایت‌های میراث صنعتی فرصت مناسبی برای ایجاد الزامات پایداری ایجاد می‌کنند و می‌توانند به عنوان کاتالیزور برای بازسازی شهری در آینده مورد استفاده قرار گیرند (Arbab & Alborzi, 2022). به طور کلی از شاخص‌های بازسازی میراث صنعتی با توجه به عدم تاثیر نامناسب انسان روی محیط می‌توان توجه به طبیعت موجود، توسعه پهنه‌های سبز در مقیاس محلی، حذف آلاینده‌های محیطی، مدیریت مواد زائد، کاهش مضرات انسانی بر محیط و اعتدال در رفت و آمد سواره را بیان کرد (نیلی و همکاران، ۱۳۹۶). از نظر زیست‌محیطی، استفاده از مصالح اکولوژیک که اثرات محیطی کمتری دارند و مصرف انرژی را کاهش می‌دهند، باید مدنظر قرار گیرند (San-José et al., 2007). بر اساس آنچه مطرح شد کاربری تطبیقی بر جنبه پایداری زیست محیطی تاکید دارد همچنین در حوزه زیست‌منطقه‌گرایی نیز دیدگاه اکولوژیک و توجه به پایداری مورد توجه قرار گرفته است.

تحلیل دیدگاه‌ها در حوزه منطقه‌گرایی نشان می‌دهد که امروزه منطقه‌گرایی در پی توجه بیشتر به جنبه‌های زیست محیطی است (Lefaivre & Tzonis, 2012). برنامه ریزی زیست‌منطقه‌ای و معماری منظر بر خلاف هم‌تابان سنتی آنها، بازتابی از تداوم ساختاری و فضایی طبیعت هستند و از عواقب منفی جداسازی مصنوعی اجتناب می‌کنند (Young, 2000). ما اغلب جوامع خود را بر اساس مرزهای انسانی، مانند مرزهای ملی، مرز مالکیت، مناطق مدرسه، مرز شهرها، کد منطقه، کد پستی، مناطق خدمات دولتی و منطقه بندی‌ها تعریف می‌کنیم. این مناطق اغلب نامرئی هستند و با هم تداخل دارند اما به

ندرت متصل هستند، و اغلب حتی بر اساس جغرافیا نیستند (Young, 2000) به نقل از (Wilson, 1995). زیست منطقه‌گرایی جایگزین مطلوبی است، زیرا از نظر زیست‌شناسی - و از نظر جغرافیایی - روشی مبتنی بر تقسیم منظر به مناطق قابل مدیریت است. روش‌های زیست منطقه‌ای بهترین امید را به مردم و محیط زیست می‌دهند زیرا، آن‌ها واقعیت‌های محسوس و درونی مرتبط با ما را ارائه می‌دهند که می‌تواند مدیریت و حفظ شود (Young, 2000). زیست منطقه‌گرایی رویکردی زمینه‌گرا دارد و همچنین به مقولاتی نظیر انرژی، آلودگی زیست محیطی، تغذیه و تولیدات صنعتی می‌پردازد (Evanoff, 2011). بنابراین دو رویکرد زیست منطقه‌گرایی و کاربری مجدد تطبیقی در وجوه مختلف پایداری زیست محیطی مانند حفاظت از منظر، مباحث انرژی و کاهش مصرف آن، کاهش آلودگی‌های زیست محیطی و کاهش مواد زائد با حفظ مصالح موجود، اشتراکاتی دارند که کاربست این دو رویکرد در کنار هم موجب تقویت اهداف پایداری زیست محیطی در طراحی معماری خواهد شد.

زیست منطقه‌گرایی	کاربری تطبیقی
توجه به جنبه‌های زیست محیطی	پایداری زیست محیطی
توجه به آلودگی زیست محیطی	حذف آلاینده‌های محیطی
توجه به انرژی‌های پایدار	پایداری بر اساس مصرف انرژی
روشی مبتنی بر تقسیم به مناطق قابل مدیریت	حفاظت محیطی و نگهداری از زمین‌ها
زمینه‌گرایی	اهمیت زمینه

شکل ۴: کلیدواژه‌های متناظر در بعد زیست محیطی، منبع: نگارندگان

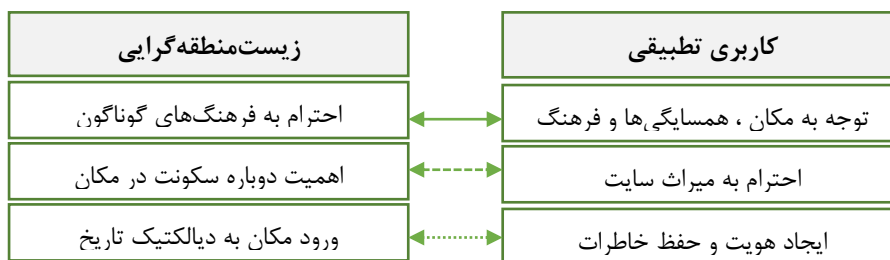
۴-۲- بعد اجتماعی-فرهنگی

فعالیت‌های صنعتی همواره در حال تغییر هستند. تاریخ سایت‌ها و بناهای صنعتی همواره در حال تغییر است. بنابراین نمی‌توان از مکان‌های صنعتی همواره به عنوان مکانی برای هدف اصلی و اولیه‌ی آن‌ها استفاده کرد. اهمیت کاربری مجدد تطبیقی از این جهت است که به این فضاها زندگی مجدد می‌دهد ضمن آن‌که خاطرات و دانش آن‌ها برای نسل‌های بعد حفظ می‌کند. میراث صنعتی نقش مهمی در ایجاد هویت در تاریخ متغیر جوامع دارند. جوامع ثابت نیستند و مهم است که چطور یک پروژه به تغییرات پاسخ می‌دهد و در عین حال به میراث سایت احترام می‌گذارد. حمایت اجتماع در موثر واقع شدن کاربری مجدد میراث صنعتی اهمیت دارد. توقع جامعه در مورد ارزش سایت‌ها یکسان نیست و امکان تغییر وجود دارد. برخی از مکان‌های صنعتی هنوز برای کسانی که در آن صنعت فعالیت داشته‌اند نقش "خانه" را ایفا می‌کند. این ارتباطات محسوس می‌تواند در نحوه‌ی تعبیر از محیط یا مشورت با جامعه اثرگذار باشد (Clark, 2013). به طور کلی از عوامل اصلی موفقیت یک پروژه استفاده مجدد تطبیقی، مکان و همسایگی‌ها، فرهنگ و علاقه عمومی و پایداری آن است (Bowyer et al., 2022). لذا در بعد اجتماعی-فرهنگی کاربری مجدد تطبیقی، موضوعاتی مانند ایجاد هویت و حفظ خاطرات نسل‌ها، احترام به میراث سایت و همسایگی‌ها، لزوم وجود حمایت‌های اجتماعی، توجه به فرهنگ و پایداری آن مورد توجه است که موجب تقویت پایداری اجتماعی می‌شود که در ادامه به این وجوه در زیست منطقه‌گرایی نیز اشاره می‌شود.

برنامه‌ریزی زیست منطقه‌ای راهی برای درک پیچیدگی‌های اکوسیستم‌ها است؛ زیرا اکوسیستم‌ها به فرهنگ‌های منطقه‌ای مرتبط هستند؛ این یک رویکرد یکپارچه به مدیریت منابع بر اساس ویژگی‌های اکوسیستم است (Young, 2000). زیست منطقه‌گرایی ورود مکان به دیالکتیک تاریخ است. همچنین ممکن است بگوییم که «طبقه‌هایی» وجود دارند که تاکنون نادیده گرفته شده‌اند - حیوانات، رودخانه‌ها، صخره‌ها و علف‌ها - که اکنون به تاریخ وارد می‌شوند. ما به دنبال تعادل بین کثرت‌گرایی جهان میهنی و آگاهی عمیق محلی هستیم (Crist, 2020). در یک بستر مدرن مبتنی بر جدایی جامعه از جهان طبیعی، زیست منطقه‌گرایی بر اهمیت دوباره سکونت در مکان و زمین به عنوان خانه تاکید دارند. زیست منطقه‌گرایان بر این باورند که ما باید به مکان بازگردیم، جایی که منظر، محلی که ساکن هستیم و اجتماع محلی که به آن وابسته هستیم وجود

دارد (McGinnis, 1999). زیست‌منطقه‌گرایان و منتقدان توسعه بین‌المللی هر دو انتقاد شدیدی به پارادایم پیشرفت و اثرات جهانی‌سازی دارند و در مورد بازارهای جهانی و نظم سیاسی و نیز کاهش تنوع محیطی و فرهنگی ابراز نگرانی می‌کنند. بر خلاف رویکرد بین‌المللی به اصول اخلاق جهانی که بیشتر به بحث کنترل جهانی توجه دارد، رویکرد زیست‌منطقه‌گرا با نگاهی زمینه‌گرا در صدد حفظ گوناگونی فرهنگی و محلی بیشتری است. این رویکرد همزمان بر تعامل فرهنگی نیز تاکید دارد. (Evanoff, 2011). دیدگاه زیست‌منطقه‌گرا در برخی موارد ظاهراً دارای دو جنبه متضاد است. در کنار تضاد بین دیدگاه محلی و جهانی، زیست‌منطقه‌گرایی تلاش می‌کند تا این دو دیدگاه را با تمایز بخشیدن به حوزه تعاملات بین‌فرهنگی که دارای همگرایی است و حوزه‌هایی که واگرایی در آن ضرورت دارد، پیوند دهد. زیست‌منطقه‌گرایی با آداب و رسوم سیاسی و عقلانی نظیر بوم‌شناسی، بوم‌شناسی اجتماعی، فمینیسم زیست‌محیطی مرتبط است. آنچه مانع جامع بودن زیست‌منطقه‌گرایی می‌شود این است که زیست‌منطقه‌گرایی به توانایی فرهنگ‌های گوناگون برای تدوین ایده‌ها، ارزش‌ها و سیستم اقتصادی و سیاسی احترام می‌گذارد و نتایج این انتخاب‌های فرهنگی فراتر از فرهنگ می‌باشد (Evanoff, 2011).

بنابر آنچه گفته شد در وجه اجتماعی پایداری، مباحثی مانند لزوم تعاملات فرهنگی و توجه به فرهنگ‌های گوناگون، اهمیت مکان به عنوان محل سکونت و همسایگی و لزوم ایجاد هویت فرهنگی و تاریخی از اشتراکات دو رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی و کاربری مجدد تطبیقی است که هم‌افزایی این دو رویکرد موجب گسترش کیفیت‌های پایدار اجتماعی در طراحی معماری می‌شود.



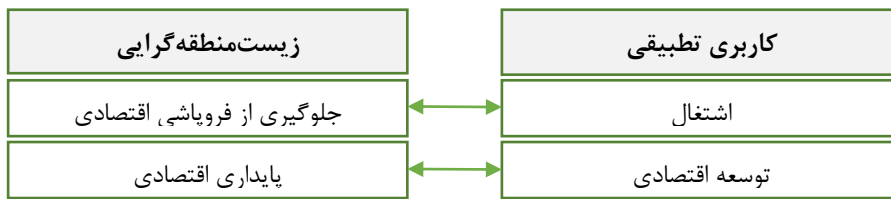
شکل ۵: کلیدواژه‌های متناظر در بعد اجتماعی، منبع: نگارندگان

۴-۳- بعد اقتصادی

اراضی صنعتی موجب ثروت، اشتغال، تسریع فعالیت‌های تبلیغاتی می‌شوند و محیط اطراف را ارتقا می‌دهند (San-José et al., 2007). در دهه‌های اخیر باز استفاده تطبیقی و احیا شهری یکی از سیاست‌های توسعه اقتصادی است. بسیاری از سایت‌های صنعتی تبدیل به بوتیک‌هتل‌ها، رستوران‌ها، موزه‌ها، ساختمان‌های مسکونی شده‌اند (Xie, 2015). از این جهت در اشتغال زایی و توسعه اقتصادی موثراند. لذا با استفاده از کاربری مجدد تطبیقی، توسعه اقتصادی و صرفه اقتصادی با کاهش هزینه‌های اولیه ساخت حاصل می‌گردد که در پایداری اقتصادی موثر است. در ادامه نیز به این مباحث در رویکرد زیست‌منطقه‌گرا پرداخته خواهد شد.

زیست‌منطقه‌گرایی نه تنها با نوآوری‌های تکنولوژیک مخالفتی ندارد بلکه از فروپاشی اقتصاد و تمدن، توسط رویکردی اجتماعی با نگرش پایدار و اکولوژیک پیشگیری می‌کند (Evanoff, 2011). پایداری اقتصادی جنبه‌ی دیگری برای دستیابی به دیدگاه توسعه شهری است. هدف فعالیت‌های اقتصادی دستیابی به بالاترین سطح خود اتکایی مشارکتی در زیست‌منطقه‌گرایی است (Surekha, 2022) به نقل از (Aberly, 1999).

بنابراین در بعد اقتصادی پایداری، دو رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی و کاربری مجدد تطبیقی به لزوم توسعه اقتصادی تاکید دارند که از اشتراکات این دو رویکرد است. و نیز توجه به فرهنگ منطقه و حفظ ارزش‌های فرهنگی و ایجاد کاربری تطبیقی متناسب با ابعاد فرهنگی منطقه می‌تواند موجب ارتقای مکان و نیز پایداری اقتصادی شود لیکن این بعد می‌تواند اگر متناسب با فرهنگ مردم نباشد در تضاد با منطقه‌گرایی باشد.



شکل ۶: کلیدواژه‌های متناظر در بعد اقتصادی، منبع: نگارندگان

۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابعاد ارتباط رویکرد زیست منطقه‌گرایی و کاربری تطبیقی بررسی گردید. این بررسی نشان‌دهنده اشتراک عمیق و هم‌افزایی در نظریه‌های معماری است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند رویکرد زیست منطقه‌گرایی عمیقاً به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی توسعه پایدار توجه دارد و ادراک مکان‌های خاص و داشتن حس مکان و توسعه تکنیک‌های خاص برای زندگی در آن مکان طبیعی از وجوه مهم زیست منطقه‌گرایی برشمرده شده است (Dodge, 1981). همچنین یکی از اصول زیست منطقه‌گرایی سکونت مجدد و یادگیری نحوه زندگی در مکان‌های متروکه یا تخریب شده با نگاه به اکولوژی است که کاملاً با مفهوم کاربری تطبیقی میراث صنعتی همخوانی دارد. کاربری تطبیقی به ویژه ساختمان‌ها و سایت‌های صنعتی متروکه که درون شهرها قرار دارند، در تقویت حس مکان و یادآوری خاطرات و حفظ ارزش‌های تاریخی ساکنان آن منطقه و آن مکان نقش به‌سزایی دارند. لذا بعد اجتماعی کاربری تطبیقی همسو با ابعاد فرهنگی زیست منطقه‌گرایی گام برمی‌دارد. در بعد زیست محیطی نیز کاربری تطبیقی میراث صنعتی به حفظ ارزش‌های محیطی و حفاظت از زمین‌ها و نیز حذف آلاینده‌های محیطی می‌انجامد. این بعد از کاربری تطبیقی همراستا با اهداف زیست منطقه‌گرایی است زیرا زیست منطقه‌گرایی نیز به مقولاتی نظیر انرژی و آلودگی زیست محیطی و حفظ محیط زیست می‌پردازد. از سویی در بعد اقتصادی هدف کاربری تطبیقی ارتقا و توسعه اقتصادی منطقه در راستای نیازهای آن منطقه است و ضمن حفظ ارزش‌های میراث صنعتی از این میراث به منظور اشتغال و ایجاد فضایی با کاربری تطبیقی برای جذب سرمایه‌ها استفاده می‌شود. این بعد از کاربری تطبیقی همراستا با بعد اقتصادی زیست منطقه‌گرایی است؛ زیرا هدف فعالیت‌های اقتصادی در رویکرد زیست منطقه‌گرایی دستیابی به بالاترین سطح خود اتکایی است. لیکن بعد اقتصادی کاربری تطبیقی و انتخاب کاربری جدید اگر با فرهنگ مردم متناسب نباشد می‌تواند در تضاد با اصول منطقه‌گرایی و زیست منطقه‌گرایی قرار گیرد.

به طور کلی رویکرد زیست منطقه‌گرایی و کاربرد آن در کاربری تطبیقی میراث صنعتی، با توجه به فرهنگ و مکان مورد نظر موجب تقویت ابعاد گوناگون کاربری تطبیقی خواهد شد. توجه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی بنا در کنار حفاظت از میراث صنعتی و تداوم فعالیت این بناهای متروکه، موجب ارتقاء کیفیت مکان و سایت‌های صنعتی شده و خاطرات ساکنان مناطق مختلف که در بخشی از فرهنگ آنان موثر است از طریق این میراث پابرجا می‌ماند و موجب تقویت حس مکان نیز می‌شود. در بعد اقتصادی نیز لزوم توجه به فرهنگ منطقه مورد نیاز است. حفظ ارزش‌های فرهنگی و ایجاد کاربری تطبیقی متناسب با ابعاد فرهنگی منطقه مورد نظر می‌تواند موجب ارتقای مکان و پایداری اقتصادی شود.

در تحقیقات آتی می‌توان به بررسی میزان اثرگذاری کاربرد رویکرد زیست منطقه‌گرایی بر موفقیت کاربری‌های تطبیقی مورد بهره‌برداری پرداخت. همچنین بررسی فرهنگ مناطق مشخص و هماهنگی کاربری تطبیقی با توجه به رویکرد زیست منطقه‌گرایی و نیازهای منطقه و شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

زیست منطقه‌گرایی (منطقه‌گرایی پایدار)	اهداف و شاخص‌ها	استفاده مجدد تطبیقی در میراث صنعتی
توجه به اقلیم، توجه به ترکیب خاک و منابع آبی، توجه به گونه‌های جانوری، کاهش مصرف منابع طبیعی، استفاده از مصالح قابل بازیافت، همزیستی پایدار انسان با طبیعت، به حداقل رساندن خسارت به محیط زیست، استفاده صحیح از مصالح منطقه‌ای، حل مشکلات	زیست محیطی	توسعه پایدار کاهش مصرف انرژی (کاهش مصرف منابع) حفظ انرژی نهفته حفظ مصالح ساختمان معماری همساز با اقلیم (در کیفیت‌های کالبدی، فضایی و عناصر و اجزا)
حس مکان، توجه به تاثیرات مکان بر مخاطب، تاثیرپذیری از شرایط فرهنگی، احترام به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، احترام به مکان	اجتماعی- فرهنگی	توجه به جنبه‌های فرهنگی حفظ میراث، هویت جمعی، اهمیت احترام به زمینه و سایت، حفظ و احیا مکان‌های با ارزش (تقویت حس مکان)
کاهش هزینه نگهداری بنا، کاهش مصرف انرژی، استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر در بنا، توجه به موضوعات اقتصادی جامعه	اقتصادی اشتراکات	جذب ثروت (توریست)، افزایش اشتغال، تسریع فعالیت‌های تبلیغاتی
پایداری زیست محیطی، توسعه پایدار، کاهش مصرف انرژی و استفاده از انرژی‌های پایدار، توجه به مسائل فرهنگی، حس مکان، توجه به توسعه اقتصادی		

شکل ۷: مقایسه ابعاد زیست منطقه‌گرایی و کاربری تطبیقی میراث صنعتی، منبع: نگارندگان

مراجع

- حیدری ش.، حناچی پ.، و تیمورتاش س. (۱۳۹۸). تغییر کاربری تطبیقی میراث صنعتی، رویکردی براساس بازیافت انرژی. نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری های نوین معماری و شهرسازی. ۹ (۱): ۴۵-۵۳
- ذوقی حسینی، ا.، دیبا، د.، کامل نیا، ح.، و مختاباد عامری، م. (۱۳۹۹). بازخوانی رویکردهای منطقه‌گرایی در بناهای شاخص معاصر شهر مشهد. جغرافیا و توسعه فضای شهری (۱)۷، ۱۶۵-۱۸۵. doi: 10.22067/jgusd.2021.47787.0
- ذوقی حسینی، ا.، دیبا، د.، کامل نیا، ح.، و مختاباد، م. (۱۴۰۲). منطقه‌گرایی پایدار: خوانش رویکرد پایداری در متن معماری منطقه‌گرا. پذیرش نهایی (۱۳۹۹). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و سوم، شماره ۶۸، ۳۸۳-۴۰۲
- رنجکش، ر.، فدائی‌نژاد بهرام‌جردی، س. (۱۳۹۹). انطباق‌پذیری و استفاده مجدد از میراث صنعتی به مثابه تداوم هویت شهری؛ کارخانه سالامبورسازی تبریز و کارخانه چرم‌سازی ایگوالادا اسپانیا. نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری های نوین معماری و شهرسازی؛ ۱۰ (۱): ۵۵-۶۲
- شایان، ح.، و کامل نیا، ح. (۱۳۸۷). منطقه‌گرایی و چالشهای معماری معاصر در آغاز هزاره سوم. معماری و شهرسازی (۹۰)- ۱۰، (۹۱)
- غلامی، غ.، حیدری، ش.، و حناچی، پ. (۱۴۰۰). حفاظت، انطباق‌پذیری و استفاده مجدد از میراث معماری، رویکردی بر اساس کارآیی انرژی «تعیین فرآیند و تبیین اقدامات». نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۴ (۱)، ۵-۱۵. doi:10.22059/jfaup.2021.324136.672631
- فالسر، م. (۱۳۹۲). میراث صنعتی در فهرست میراث جهانی به انضمام « منشور میراث صنعتی نیژنی تاگیل و اصول دوبلین ۲۰۱۱». ترجمه: علیرضا قاضی مقدم و مهشید مداحی، تهران: پایور
- کوهون، ا. (۱۹۹۷). مفهوم منطقه‌گرایی، ترجمه جعفر طاهری، سارا تفاعری، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال شانزدهم، شماره ۵۵، ۱۲-۱۷
- مهدوی نژاد، م.، طلایی، م.، و امیدخواه، ع. (۱۳۹۷). آوازه سازی و گردشگری پایدار، نمونه مطالعه: میراث معماری صنعتی کشورهای اسلامی، کنگره بین المللی معماری و شهرسازی معاصر پیشرو در کشور های اسلامی، مشهد، <https://civilica.com/doc/809508>
- مهربان، گ.، دژدار، ا.، و فروتن، م. (۱۳۹۵). از منطقه‌گرایی تا زیست‌منطقه‌گرایی؛ رویکردها و روش ها. کنفرانس ملی یافته های نوین پژوهشی و آموزشی عمران، معماری شهرسازی و محیط زیست ایران <https://civilica.com/doc/638863>
- نسبیت، ک. (۱۳۸۶). نظریه‌های پسامدرن در معماری، محمدرضا شیرازی، تهران: نشر نی
- نیلی، ر.، دیبا، د.، مهدوی نژاد، م.، و شاهچراغی، آ. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت احیای میراث صنعتی معاصر ایران با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) (مطالعه موردی: انبار کتان تهران). فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست (۱۳۹۶) ۱۱(۱): ۳۸۱-۳۹۱. doi:10.22034/jest.2018.29611.3819
- هدایتی، ف. (۱۳۹۴). مالدیو، رویکردی زیست منطقه‌گرایانه به معماری مدرن، همایش ملی فرهنگ، کالبد و محیط در معماری و شهر اسلامی، قزوین، <https://civilica.com/doc/478400>

یگانه، م.، قنبری، ن. و بمانیان، م. (۲۰۱۹). بازشناسی معیارها و شاخص های زیست منطقه گرایی انتقادی در ساختمان های بلند ایران. مطالعات علوم محیط زیست، ۴(۲)، ۱۳۶۳-۱۳۷۲.
http://www.jess.ir/article_92341_c43ce4fa90c244f59b12b29bf0d9b9cd.pdf

Aberley, D. (1999) Interpreting bioregionalism: A story from many voices, Chapter published in Bioregionalism, McGinnis, M.V. (1999). Routledge: London (published in the Taylor & Francis e-Library, 2005)

Alexander, S. & Johnson, B. (2013). Chapter Four. The Adirondack Semester: An Integrated Approach to Cultivating Bioregional Knowledge and Consciousness. In J. Lockyer & J. Veteto (Ed.), Environmental Anthropology Engaging Ecotopia: Bioregionalism, Permaculture, and Ecovillages (pp. 76-91). New York, Oxford: Berghahn Books

Allen, B.L., (2005). On performative regionalism, chapter published in Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition, Canizaro, V.B. (2007). Princeton Architectural Press: New York

Arbab, P., & Alborzi, G. (2022). Toward developing a sustainable regeneration framework for urban industrial heritage. Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development, 12(3), 263-274.
<https://doi.org/10.1108/JCHMSD-04-2020-0059>

Augustiniok, Nadin; PLEVOETS, Bie & VAN CLEEMPOEL, Koenraad (2020) Adaptive Re-use in Conservation. On balancing monument and architectural values. In: Amoeda, Rogerio; Lira, Sergio; Pinheiro, Cristina (Ed.). Proceedings of the 7th International Conference on Heritage and Sustainable Development, p. 279-288 (Art N° 28). Handle: <http://hdl.handle.net/1942/34042>

Bazazzadeh, H. & Nadolny, A. & Mehan, A. & Hashemi S.S. (2021). The Importance of Flexibility in Adaptive Reuse of Industrial Heritage: Learning from Iranian Cases. International Journal of Conservation Science. 12. 113-128

Berg, P. (2013). Chapter One. Growing a Life-Place Politics. In J. Lockyer & J. Veteto (Ed.), Environmental Anthropology Engaging Ecotopia: Bioregionalism, Permaculture, and Ecovillages (pp. 35-48). New York, Oxford: Berghahn Books. <https://doi.org/10.1515/9780857458803-005>

Bullen P.A., Love P.E.D. (2010). The rhetoric of adaptive reuse of reality of demolition: views from the field. Cities. 27(4):215-224

Bottero, M., D'Alpaos, C., & Oppio, A. (2019). Ranking of Adaptive Reuse Strategies for Abandoned Industrial Heritage in Vulnerable Contexts: A Multiple Criteria Decision Aiding Approach. Sustainability, 11(3), 785. <https://www.mdpi.com/2071-1050/11/3/785>

Bowyer, E. C., Stephenson, V., Hawkins, W., & Ibell, T. (2022). New Angles for Adaptive Building Reuse Research. IOP Conference Series: Earth and Environmental Science, 1078(1), 012022. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/1078/1/012022>

Canizaro, V.B. (2007). Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition, Princeton Architectural Press: New York

Cappuccio, S.M. (2009). Bioregionalism as a new development paradigm. International Conference of Territorial Intelligence Salerno, Italy. 9p. halshs-00533625

Cassidy, T.J. (2000). Becoming regional over time: Toward a reflexive regionalism, chapter published in Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition, Canizaro, V.B. (2007). Princeton Architectural Press: New York

Çevik, S., Vural, S., Tavşan, F., & Aşık, Ö. (2008). An example to renovation revitalization works in historical city centres: Kunduracılar Street/Trabzon-Turkey. Building and Environment, 43(5), 950-962

S. P., (2015) « Exploring Urban Bioregionalism: a synthesis of literature on urban nature and Church sustainable patterns of urban living », S.A.P.I.E.N.S [Online], 7.(1), URL : <http://journals.openedition.org/sapiens/1691>

Clark, J. (2013), "Adaptive reuse of industrial heritage: opportunities & challenges", available at: http://architectureinsights.com.au/media/uploads/resources/Adaptive_Reuse_of_Industrial_Heritage.pdf

.Crist, E. (2020). For cosmopolitan bioregionalism. The Ecological Citizen 3(Suppl C): 21-9

- Dodge, J. (1981) "Living By Life: Some Bioregional Theory and Practice," , chapter published in Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition, Canizaro,V.B. (2007). Princeton Architectural Press:New York
- Evanoff, R. (2011). Bioregionalism and Global Ethics: A Transactional Approach to Achieving Ecological Sustainability, Social Justice, and Human Well-Being. Routledge:london
- Harris, H.H. (1958). Regionalism and nationalism in architecture, chapter published in Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition, Canizaro,V.B. (2007). Princeton Architectural Press:New York
- Jopela, A. (2011)"Traditional Custodianship: a useful framework for heritage management in southern Africa," Conservation and Management of Archaeological Sites, (13) 2-3, 103-122
- Jie,G. the Protection and Renewal of Industrial Heritage from a Landscape Architect's Perspective (A comparison between the Center of Norrköping and Xu Jiahui Park in Shanghai). Master's Thesis, European Spatial Planning and Regional Development, Blekinge Instituted of Technology, Karlskrona, Sweden, 2009
- Kemmis, D. (1999) forward in Bioregionalism, , Routledge:london (published in the Taylor & Francis e-Library, 2005)
- Kincaid D. 2002. Adapting buildings for changing uses: guidelines for change of use refurbishment. London: Spon Press
- Langston C, Wong FKW, Hui CM, Shen LY. 2008. Strategic assessment of building adaptive reuse opportunities in Hong Kong. Build Environ. 43(10):1709–1718
- Lefaivre, L., & Tzonis, A. (2012). Architecture of Regionalism in the Age of Globalization: Peaks and Valleys in the Flat World. Routledge:London
- McGinnis, M.V. (1999). Bioregionalism, Routledge:london (published in the Taylor & Francis e-Library, 2005)
- Milgrim, Kate Spencer. (2010). "Manufacturing Prosperity: Evaluating the Rehabilitation of Industrial Complexes." (Master's Thesis). University of Pennsylvania, Philadelphia, PA
- Ozkan, S.(1985)Regionalism within modernism, , chapter published in Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition, Canizaro,V.B. (2007). Princeton Architectural Press: New York
- Pavlidis, E. (1991). Four approaches to regionalism in architecture, chapter published in Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition, Canizaro,V.B. (2007). Princeton Architectural Press: New York
- San-José Lombera, J.-T., & Garrucho Aprea, I. (2010). A system approach to the environmental analysis of industrial buildings. Building and Environment, 45(3), 673-683. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2009.08.012>
- San-José, J. T., Losada, R., Cuadrado, J., & Garrucho, I. (2007). Approach to the quantification of the sustainable value in industrial buildings. Building and Environment, 42(11), 3916-3923. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2006.11.013>
- Surekha, C. K. (2022). Sustainable Urban Development: Bioregionalistic Vision for Small Towns. International Journal of Environmental Science & Sustainable Development, 7(1), 28–46. <https://doi.org/10.21625/essd.v7i1.866>
- Vardopoulos, I. (2019). Critical sustainable development factors in the adaptive reuse of urban industrial buildings. A fuzzy DEMATEL approach. Sustainable Cities and Society, 50, 101684. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101684>
- Xie, Philip Feifan.(2015).Industrial Heritage Tourism, Channel View Publications, Bristol , Buffalo , Toronto
- Young, T. (2000). Belonging Not Containing: The Vision of Bioregionalism. Landscape Journal, 19, 46 - 49



**6th.International Conference & 7th.national Conference on Civil Engineering,
Architecture, Art and Urban Design / 06-07 February. 2024**

Venue: Tabriz Islamic Art University

In cooperation with Shahrekord University & Kharazmi University



Yung, E.H.K. and Chan, E.H.W. (2012). "Implementation challenges to the adaptive reuse of heritage buildings: Towards the goals of sustainable, low carbon cities," habitat international, vol. 36, no. 3, pp. 352-361